

برخی کارشناسان اقتصادی ایران، در مطبوعات داخل کشور، همچنان به رویای اقتصادی "ببرهای کوچک" دامن می زنند!

## بحران "اضافه تولید" در جهان سرمایه داری!

ع. سهند

بحران اقتصادی که از نیمه دوم سال ۱۹۹۷ دامنگیر کشورهای تایلند، کره جنوبی، اندونزی و مالزی شده، محدود به این کشورها نمائند و پیامدهای آن سراسر جهان سرمایه داری را در بر گرفته است.

در شرایطی که بنیبال فروپاشی اتحاد شوروی و تحت تاثیر تبلیغات رسانه‌های تحت کنترل سرمایه، شامی از با سابقه‌ترین فعالین برخی سازمان‌های چپ ایران، هوادار الگویی توسعه اقتصادی به اصطلاح "ببرهای آسیائی" شده بودند، راه توده طی مقاله‌ای، پس از بررسی ویژگی‌های توسعه اقتصادی این کشورها و یادآوری این واقعیت که دوران پرورش ببرهای کوچک پایان یافته، نوشت:

«بدون تردید، از تجربه این کشورها درس‌هایی می‌توان آموخت، اما آنچه که در این موارد آموختنی است، اساسا در تقابل کامل با سیاست‌های نولیبرالی مورد حمایت بانک جهانی، صندوق بین الملل پول و امپریالیسم جهانی، قرار دارد.» (۱)

امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری جهانی که طی دوران جنگ سرد و تا چندی پیش از بروز بحران کنونی، این به اصطلاح "ببرهای آسیائی" را بعنوان الگویی رشد و توسعه اقتصادی معرفی و تبلیغ می‌کردند، امروزه می‌کوشند که از شکست این الگو در تبلیغ سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی بهره برداری کنند.

"کلاید پرستویچ"، نماینده تجاری سابق آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان، با لحن و کلامی که از روزهای حضور اتحاد شوروی در صحنه جهانی بندرت شنیده شده است، نقش دولت در اقتصاد این کشورها را عامل اصلی بحران کنونی معرفی کرده و می‌افزاید: «نوع آسیائی سرمایه داری برای سلامت اقتصاد جهانی خطرناک بوده و در نتیجه از این عقب‌گردها بایستی استقبال کرد.» (۲)

آلن گیرین اسپن، رئیس بانک مرکزی ایالات متحده، طی سخنرانی در این مورد ادعا کرد: «فرو ریختن مدل سرمایه داری در کشورهای آسیائی که به میزان زیادی متکی به دخالت دولت بود، تکرار معتدل حوادث سال ۱۹۸۹ است که کمونیست‌ها در جمهوری دموکراتیک آلمان سابق و دیگر کشورها از قدرت خلع شدند.» (۳)

هواداران سیاست‌های نولیبرالی در ایران نیز به بهانه ارزیابی تجربه "ببرهای آسیائی" نظرات کارشناسان و دولتمردان آمریکائی را تکرار می‌کنند. بعنوان نمونه، فصلنامه "گفتگو" که منتشرکننده مقالاتی از کارشناسان اقتصادی رژیم گذشته، از قبیل "جهانگیر آموزگار" و "عبدان مزارعی" است، (۴) در شماره ۱۸ خود به بهانه ارزیابی تجربه "کره" چنین می‌نویسد:

«... در ایران نیز گروه‌هایی بر این عقیده هستند که باید با ایجاد و حمایت از واحدهای توی اقتصادی توسط دولت، راه را برای حضور قدرتمندانه در بازارهای جهان باز نمود. شکل این رویکرد آن است که غنول‌های اقتصادی و مالی پشتیبانی مستمر دولت به وجود می‌آیند که با محدودتر شدن حمایت دولتی مضمحل می‌گردند و نه تنها اقتصاد ملی، بلکه وضعیت مالی دولت را نیز متزلزل می‌کنند. اقتصاد جهانی بیش از پیش به سود ایجاد واحدهای کوچکتر اقتصادی که دارای انعطاف بیشتر نیز هستند، گرایش دارد و این گرایش پدیده‌ای نیست که بتوان در قبال آن بی تفاوت بوده و سیاست ایجاد واحدهای بزرگ دولتی را دنبال نمود. شاید تجربه تلخ کره بهانه‌ای باشد برای بازبینی این عقیده در برخی محافل ایران که طرفدار ایجاد واحدهای بزرگ دولتی برای فعالیت اقتصادی می‌باشند.» (۵)

با توجه به ضرورت مقابله با اینگونه تبلیغات، نوشته حاضر مختصرا ماهیت، علل و ابعاد بحران اقتصادی در این کشورها را بررسی خواهد کرد.

### ماهیت و علل بحران

رسانه‌های عمومی جهان از "بحران مالی در آسیا" سخن می‌گویند. واقعیت این است که بحران کنونی سرمایه داری، چیزی بیشتر از بحران مالی بوده و فقط هم محدود به آسیا نیست. بحران کنونی، بحران اضافه تولید است. بحران‌های

مالی، عارضه‌های بحران اصلی، یعنی بحران اضافه تولید هستند. مارکس در توصیف "بحران اضافه تولید" در سیستم سرمایه داری می‌نویسد:

«فقر و مصرف محدود توده‌ها، در مقابل تمایل تویید سرمایه داری به گسترش نیروهای تولیدی... دلیل غائی بروز همه بحران‌های واقعی است.» (۶) مارکس سرمایه داری را به سه بخش مشخص زیر تقسیم می‌کند:

- کالاهای تولیدی (ابزار تولید)

- کالاهای مورد مصرف کارگران

- کالاهای مورد مصرف سرمایه داران

برای پرهیز از بحران بایستی تعادل و توازن بین آنچه که کارگران خرج می‌کنند و آنچه که سرمایه داران از سودشان برای مصرف و یا سرمایه گذاری هزینه می‌کنند، وجود داشته باشد. در شیوه تولید سرمایه داری فقدان تناسب بین کمیت نسبی کالاهای تولید شده و ساختار تقاضای اجتماعی در شکل ارزش-استفاده عامل اصلی بروز بحران‌های اقتصادی است.»

لنین، نظر مارکس درباره بحران اضافه تولید را تکامل بخشیده و می‌نویسد: «نهایتا کم مصرفی بعنوان دلیل اصلی بحران اضافه تولید و در شکل خاص آن بصورت عدم تناسب بین مصرف ابزار تولید و مصرف کالاهای مصرفی، بروز می‌کند.»

لنین در نوشته دیگری «تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و خصلت فردی مالکیت» را عامل بروز عدم تناسب فوق و نتیجتا بروز بحران‌های اقتصادی معرفی می‌کند.

واقعیات اقتصادی و بیکرهما و داده‌های آماری موجود درباره وضعیت کنونی سرمایه داری، حاکی از معتبر بودن نظریه مارکسیستی در توضیح نقش اضافه تولید در بروز بحران‌های اقتصادی است.

ویلیام گرایدر، اقتصاددان آمریکائی که به گفته خود از پیروان مکتب اقتصادی "کینز"، یعنی مکتب دفاع از سرمایه مالی انحصاری است، در کتابی که چند ماه قبل از بحران اقتصادی جاری منتشر شده است، بروشنی و مستند نشان می‌دهد که سرمایه داری با بحران جهانی اضافه تولید روبروست. برای مقابله با این بحران، ضروری است که با عرصه برتراب افزون تر از تقاضا در همه بخش‌های تولید صنعتی مقابله شود. به گفته وی، در سطح جهان و در همه صنایع، از تولید اتومبیل گرفته تا فولاد، از مواد شیمیائی گرفته تا هواپیما، اضافه تولید مفرطی وجود دارد که می‌تواند به "سقوط قطعی، بحران‌های مالی و یا انقباض تجارت جهانی" بیانجامد.»

گرایدر، بعنوان نمونه پیرامون صنایع اتومبیل سازی چنین می‌گوید: «در سال ۱۹۸۵ امکان بالقوه تولید صنایع اتومبیل سازی، حدود ۲۵ درصد بیشتر از تقاضای موجود در بازار بود. شرکت‌های اتومبیل سازی می‌توانستند حدود ۶۰ میلیون اتومبیل و کامیون تولید کنند، در حالیکه در بازار جهانی تقاضا برای ۴۴٫۸ میلیون واحد وجود داشت. یک دهه بعد، مشکل وخیم‌تر شده و عرصه ۳۰ درصد بیشتر از تقاضاست.» (۹)

در سال ۱۹۹۵، تولید خودرو در ژاپن ۵۰ درصد بیشتر از تقاضای داخلی بوده و در همانسال، تولید کنندگان اروپائی با وجود اینکه کمتر از ظرفیت ممکن تولید کرده و دهها هزار کارگر را نیز اخراج کرده بودند، بالغ بر سه میلیون واحد خودرو افزون بر تقاضای بازار، تولید داشتند.

نکته مهمی که اقتصاددانان غیر مارکسیست مسکوت گذارده و براحتی از کنار آن می‌گذرند، ارتباط بین اضافه تولید سرمایه داری و آنت جهانی بیکاری است. مارکس توضیح می‌دهد که بحران بیکاری، بیان اجتماعی بحران اضافه تولید است. براساس آمار سازمان بین المللی کار تعداد بیکاران جهان از ۶۰۰ میلیون نفر در سال ۱۹۸۴ به یک میلیارد نفر در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است. افزایش بیکاری، فقر و گرسنگی و کاهش قدرت خرید توده‌های زحمتکش در نتیجه اعمال سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی، به بحران اضافه تولید سرمایه داری، ابعاد بی سابقه‌ای بخشیده است.

همچنین سیاست امپریالیستی تحریم و محاصره اقتصادی کشورهایمانند کوبا، عراق، لیبی، یوگسلاوی، جمهوری خلق کره و ایران، روابط و مبادلات اقتصادی خارجی این کشورها را مختل کرده و به تنزل سطح زندگی و قدرت خرید میلیون‌ها انسان منجر شده است.

بحران اقتصادی در کشورهای به اصطلاح "ببرهای آسیائی" در بستر واقعیات فوق شکل گرفته است. این کشورها، سالیان متمادی برخوردار از یک بازار عظیم خارجی برای تولیداتشان و با استفاده از نیروی کار ارزان توانستند نرخ رشد اقتصادی رشدانی را نشان دهند. ولی بازار نه تنها نمی‌توانست بطور نامحدود، متناسب با رشد اقتصادی آنها گسترش یابد، بلکه در پی اعمال سیاست‌های نولیبرالی در کشورهای سرمایه داری و فقر میلیون‌ها زحمتکش، تقاضا در بازار جهانی به میزان چشمگیری کاهش یافت. شرکت‌های آسیائی که جهت حمایت از تولید وسیعشان، ب میزان سنگینی قرض کرده بودند، در پی رکود بازار، قادر به بازپرداخت بدهی‌هایشان نشدند. در نتیجه بانک‌ها و موسسات مالی در این کشورها ورشکسته شدند. ساده اندیشی محض خواهد بود اگر به صرف تظاهر صوری بحران در ورشکستگی بانکها و موسسات مالی این کشورها، بحران کنونی، فقط یک بحران مالی ارزیابی شود.

## به مناسبت روز جهانی کودک

## کنوانسیون سازمان ملل در مورد حقوق کودکان

ب. امید - سوند، استکهلم

موضوع حقوق کودکان در جهان، از زمانی که در سال ۱۹۲۴ بیانیه ژنو، یا ۵ اصل در مورد حمایت و رفاه کودکان انتشار یافت، جدیت یافت. در سال ۱۹۵۹ سازمان ملل در اجلاس عمومی خود ۱۰ اصل را مورد تصویب قرار داد، اما تصویب این اصول چون هیچگونه کنترل اجرائی و تضمینی برای اجرای اصول بهمراه نداشت توانست با قدرت همه جانبه به کار گرفته شود.

در سال ۱۹۷۸ دولت لهستان طرح تلویح معاهده عمومی در مورد حقوق کودکان را پیشنهاد کرد. بسیاری از دولت‌ها، بویژه دول غربی به این پیشنهاد با دیده شک و تردید نگاه می‌کردند. در فاصله سالهای ۸۹-۱۹۷۹ کار بر روی تدوین کنوانسیون مربوط به کودکان و حقوق آنان به یک موضوع مهم در سازمان ملل تبدیل شد. جز نمایندگان کشورهای گوناگون، سازمانهای مترقی نیز توانستند با طرح نظریات خود، به بالا بردن توجه افکار عمومی و تاثیر گذاری بر تصویب موافقتی در آن سهم به سزایی داشته باشند. اگر چه برخی از پیشنهادها، از جمله جلوگیری از شرکت کودکان و جوانان کمتر از ۱۸ سال در جنگ توانست تصویب شود، اما اصول مترقی و رادیکال در این کنوانسیون در آن درجه است که اگر کشورهای جهان بجز اجرای آن گردن گذارند، بسیاری از معضلات جوانان جانی برای طرح نخواهد داشت. ایران در سال ۱۹۹۱ این کنوانسیون را امضاء کرد و از اواسط ۱۹۹۴ اجرای آن را در کشور مورد تصویب قرار داد.

این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده است، در ماده اول ضمن تعریف واژه کودک (انسان‌های زیر ۱۸ سال، مگر آنکه طبق قانون شامل این تعریف نگردند) گفته می‌شود که کنوانسیون به مسئله کودکان می‌پردازد.

مسئله مهم در این کنوانسیون قائل شدن استقلال برای کودکان به عنوان انسان است. کودکان انسانهایی هستند که باید دارای حقوق باشند. حق تفکر، اظهار نظر و عقیده برای کودکان، مانند بزرگسالان امری طبیعی است. ماده ۲ تصریح می‌کند که کودکان نباید دچار تبعیض واقع گردند، هیچ تبعیضی بخاطر آنکه کودکان یا والدین آنان (یا کسانی که قیمومت آنها را بر عهده دارند) دارای نژاد، رنگ مو، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا دیدگاههای دیگر ملی، قومی و اجتماعی خاصی هستند، نباید صورت گیرد و در این مورد دولت‌های مربوطه باید تمامی مساعی خود را به کار گیرند.

یکی از مهمترین مواد این کنوانسیون ماده ۳ آن است که در آن دولت‌ها موظف می‌گردند که موسسات اجتماعی، نهادها، دادگاه‌ها و دیگر مقامات اجرائی را موظف کنند تا در تصمیمات خود، آنچه را به سود کودک و برای رشد و تعالی وی، حفاظت از وی و سرپرستی وی لازم است، در مد نظر داشته باشند. به عبارت دیگر هیچ تصمیم که رشد و آینده بهتری را برا کودک تضمین نکند، نمی‌تواند مورد حمایت قرار گیرد.

مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون، از آزادی تفکر، آزادی نوشتن و آزادی دریافت و نشر اطلاعات، آزادی مذهب سخن می‌گوید. ماده ۱۵ تصریح می‌کند که کودکان اجازه داشتن انجمن‌های خود را داشته باشند و در ماده ۱۶ دولت ضامن حفاظت از کودکان است. همچنین، ماده ۱۹ حمایت از کودکان را در مقابل خشونت روانی، آسیب، تجاوز، اهمال در سرپرستی از آنان، ضرب و شتم و یا سوء استفاده از کودکان را مطرح می‌کند.

اگر در ماده ۲۴ مسئله بهداشت کودکان مطرح است، در ماده ۲۸ از حق تحصیل آنان سخن در میان است و در ماده ۳۰ گفته می‌شود که گروههای قومی که در یک کشور اقلیت را دارند، دارای حق زیست براساس فرهنگ خود هستند و باید اجازه یابند تا به زبان خود سخن بگویند و آداب و مراسم مذهبی خود را بجا آورند. کنوانسیون خواهان آن است که از کار اطفال جلوگیری شده (ماده ۳۲)، کودکان در معرض استفاده از مواد مخدر قرار نگیرند (ماده ۳۳) و از استفاده از کودکان به عنوان کالا برای معاملات جنسی جلوگیری شود (ماده ۳۴). ماده ۳۷ تاکید می‌کند که هیچ کودکی نباید مورد شکنجه یا شکل دیگری از تنبیه و یا رفتار غیر انسانی، خشن و تحقیر آمیز قرار گیرد.

علیرغم فشار افکار عمومی جهان و سازمانهای مترقی هوادار حقوق کودکان، روزانه هزاران کودک در سطح جهان به اشکال گوناگون تحت ستم قرار می‌گیرند. اگر در کشورهایی نظیر تایلند و فیلیپین کودکانی بوسیله توریست‌های ثروتمند اروپایی غربی مورد استفاده جنسی قرار می‌گیرند و یا بوسیله خانواده‌های تهیدست خود به فروش می‌رسند، در برزیل کودکان فقیر بی‌خانمان در کنار خیابان بوسیله جوخه‌های مرگ به قتل می‌رسند. استثمار کودکان در بازار کار پدیده جدیدی نیست. (بقیه در ص ۳۵)

بحران مالی، باعث تشدید بحران اضافه تولید در کره جنوبی، انونوزی و یابلد شده است. دستمزدهای واقعی زحمتکشان در نتیجه کاهش نرخ برابری ارزی بمیزان ۵۰ تا ۹۰ درصد کاهش یافته است. برای این کشورها راه دیگری جز افزایش صادراتشان به ایالات متحده، ژاپن و اروپا باقی نمانده است. ولی در عین حال رونق صادرات، مشروط به پذیرش فرمولهای اقتصادی صندوق بین المللی پول از جانب کشورهای آسیای شرقی است.

## ابعاد بحران

بدهی کشورهای آسیای شرقی به بانک‌ها امپریالیستی بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار است. با توجه به در آمیختگی دولت مرکزی با قدرتمندترین انحصارات خصوصی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، پدیده‌ای که نئین آن را سرمایه داری انحصاری دولتی نامیده است، قدرت‌های امپریالیستی در راستای تامین منافع انحصارات خودی، سرریا از طریق کانال صندوق بین المللی پول، وارد عمل شدند. نسخه تحمیلی صندوق بین المللی پول بر این کشورها، شامل نکات زیر است:

— اعمال برنامه‌های صرفه جویی اقتصادی، حذف یارانه‌های دولتی، افزایش بهای کالاها و خدمات عمومی، تعطیل کارخانه‌ها و بانکها، توقف کامل همه طرح‌های زیربنایی و اخراج میلیون‌ها کارگر و کارمند.  
— رفع هرگونه محدودیتی از فعالیت شرکت‌های خارجی که در نتیجه آن تنها در کره جنوبی تا امروز یک کارخانه کاغذ سازی، یک پالایشگاه نفت، یک کارخانه پتروشیمی، یک کارخانه اتومبیل سازی و ۵ بانک عمده به مالکیت فراملیتی‌های آمریکائی و آلمانی درآمده‌اند.

در انونوزی سقوط اقتصادی آنچنان گسترده و کامل بود که ۲۲۸ شرکت عمده کشور، به استثناء ۲۲ شرکت بقیه قادر به پرداخت تعهدات مالی خود نبوده و در معرض ورشکستگی قرار دارند. سیستم بانکی فلج شده و امکان اعطای وام و اعتبار وجود ندارد. اعتبارات عادی جهت خرید مواد اولیه و تامین هزینه صدور محصولات تولیدی در دسترس نیستند. شرایط وخیم اقتصادی باعث افزایش قیمت‌ها، بیکاری و نارضایتی عمومی شده است. بعنوان نمونه قیمت برنج نسبت به سال گذشته ۶ برابر افزایش یافته است. تحولات انونوزی نشان می‌دهد که اگر چه دولت‌ها تحت فشار به دستورات صندوق بین المللی پول گردن می‌نهند، ولی در عمل بعلت مقاومت تردها و تضادهای اجتنابی، قادر به انجام آن دستورات نیستند.  
به گزارش نیویورک تایمز، «تاثیرات بحران آسیا بر اروپا بصورت کاهش صادرات همه نوع کالا از ماشین آلات سنگین گرفته تا دستگاه تلفن دیده می‌شود. (۱۰) ایالت کالیفرنیا در آمریکا که صادر کننده محصولات کشاورزی به آسیای جنوب شرقی است، تاکنون نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار، کاهش در صادرات این محصولات داشته است. دولت آمریکا اخیرا در جهت حمایت از تولید کنندگان داخلی و تخفیف ناآرامی‌های اجتماعی در کره جنوبی، اعتبار ویژه‌ای بالغ بر ۲ میلیارد دلار جهت واردات محصولات کشاورزی و دامی در اختیار دولت کره جنوبی قرار داد.»

کاهش تقاضا برای نفت و مواد خام، یکی دیگر از عوارض جهانی بحران کنونی است. سقوط قیمت نفت در بازار جهانی، شرایط اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت را بحرانی کرده است. پیش بینی می‌شود که ونزوئلا و مکزیک در سال ۱۹۸۸، نزدیک به دو میلیارد دلار کاهش درآمد از صادرات نفت داشته باشند. در ایران کاهش درآمد دولت از صادرات نفت و ناتوانی دولت خاتمی در مقابله با مافیای اقتصادی حاکم بر کشور و کنار گذاشتن کامل سیاست‌های نولیبرالی، چاره‌ای برای دولت بجز افزایش بهای کالاهای ضروری باقی نمی‌گذارد. تصمیم فروردین ماه شورای عالی اقتصاد، در افزایش بهای بنزین، آرد، شیر و مکالمات تلفنی و افزایش بهای نرخ کوپنی گوشت، قند، شکر، روغن نباتی و برنج موید این نظر است. مسئولین اقتصادی کشور، سال ۷۷ را «سال بحران اقتصادی اعلام کرده‌اند، زیرا در آزاء هر دلار کاهش در بهای نفت در بازار جهانی، درآمد ارزی ایران نزدیک به یک میلیارد در سال کاهش خواهد یافت. کاهش درآمد کشورهای صادر کننده نفت و مواد خام که ناشی از بحران اضافه تولید جهانی است. به نوبه خود به کاهش تقاضا برای محصولات صنعتی کشورهای آسیای انجاصیده و بحران کنونی را تشدید خواهد کرد.

۱- نگاه کنید به «دوران پرورش بیرهای کوچک پایان یافته» - راه توده شماره ۵۵

۲- واشنگتن پست، ۱۴ دسامبر ۱۹۹۷

۳- نیویورک تایمز، ۱۷ ژانویه ۱۹۹۸

۴- «مدان فزارعی» از کارشناسان سازمان برتلبه و بودجه در زمان شاه، اقتصاددان بخش خاورمیانه صندوق بین المللی پول، وی مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه گذاری خصوصی و رشد» حاوی پیشنهادات صندوق بین المللی پول درباره آینده اقتصاد ایران نوشته و برای چاپ در اختیار فصلنامه «گفتگو» قرار داده است که در شماره ۱۶ آن نوبه منتشر شده است.

۵- نگاه کنید به «تجزیه کره» نوشته علی علوی، «گفتگو» شماره ۱۸ زمستان ۱۳۷۶

۶- مارکس «سرمایه» جلد سوم صفحه ۲۶۶-۲۵۷

۷- تئین، «درسهای بحران» کلیات آثار جلد ۵، ص ۹۰

۸- تئین «در خصلت نهانی رمانتسم اقتصادی» ترجمه فارسی، انتشارات کمونسم ص ۵۵

۹- ویلیام گرایدر «تک جهان یا نه» انتشارات سایه‌ون و شوستر، نیویورک ۱۹۹۷ ص ۲۳۱

۱۰- نیویورک تایمز، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۸

۱۱- لوس آنجلس تایمز، ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷